

دولت‌گندمکاران را به واردانچی هافروخت!



تولید گندم به دلیل ضعف مدیریت دولت و سیاست‌های غلط، با چالشی جدی و نگران‌کننده روبه‌رو است. سال گذشته، با تولید ۱۶ میلیون تن گندم و خرید تضمینی ۱۲ میلیون تن از سوی دولت، کشاوران بازم توانست به طور کامل از واردات گندم بی‌نیاز شود؛ موفقیتی که حاصل تلاش کشاورزان، حمایت‌های دولتی و بهبود زیرساخت‌های کشاورزی بود، اما

امسال شرایط به طور چشمگیری تغییر کرده است؛ تولید گندم به ۱۱ میلیون تن سقوط کرده و خرید تضمینی دولت نیز به ۷/۶ میلیون تن کاهش یافته است، یعنی کاهش ۲۵درصدی در تولید و ۳۳درصدی در خرید تضمینی. این افت شدید در شرایطی رخ داده است که قانون بودجه سال ۱۴۰۴ اعتبار خرید ۱۰ میلیون تن گندم را پیش‌بینی کرده بود، اما نه تنها دولت به این هدف نرسید، بلکه در پرداخت مطالبات کشاورزان نیز تعلل کرد.

کاهش تولید و خرید تضمینی گندم به عوامل مختلفی بازمی‌گردد، بخشی از آن به شرایط نامساعد جوی، خشکسالی و کم‌آبی مربوط است که به عنوان عوامل طبیعی قابل توجه هستند، اما بخش مهم‌تر این بحران به ناکارآمدی مدیریت و ضعف در سیاست‌های حمایتی بازمی‌گردد. کشاورزانی که با هزینه‌های بالای تولید مواجهند، در شرایطی قرار گرفته‌اند که دولت نه تنها پرداخت‌های بموقع ندارد، بلکه قیمت خرید تضمینی نیز در مقایسه با تورم و هزینه‌های واقعی بسیار ناکافی است. قیمت اعلام شده برای خرید تضمینی گندم نرم، ۲۰هزار و ۵۰۰تومان به ازای هر کیلوگرم است، در حالی که تورم نزدیک به ۵۰درصد و افزایش هزینه نهاده‌های کشاورزی مانند کود و بذر بیش از ۲۰درصد بوده است. این شکاف معنادار میان هزینه تولید و درآمد کشاورزان، انگیزه آنان را برای ادامه کشت به شدت کاهش داده است.

از ۷/۶ میلیون تن گندم خریداری شده از سوی دولت، به ارزش

۱۶۰هزار میلیارد تومان، تنها ۷۲درصد از این مبلغ به کشاورزان

پرداخت شده و حدود ۲۸درصد آن معوق مانده است. این تأخیر چند

ماهه در پرداخت پول، کشاورزان را با فشار مالی بسیار شدید مواجه

کرده است. بسیاری از آنها برای تأمین هزینه‌های تولید مجبور به

دریافت وام و قرض شده‌اند و این عدم پرداخت بموقع مطالبات،

با مضاعفی بر دوش آنان گذاشته است. در این شرایط، کشاورز

نمی‌تواند برای فصل بعد برنامه‌ریزی مناسبی داشته باشد و ناچار

است به فروش محصول خود در بازار آزاد و با قیمتی بالاتر روی آورد؛

پدیده‌ای که در نهایت به نفع دلالتان و علیه تولید داخلی است.

این وضعیت نه تنها موجب بی‌اعتمادی کشاورزان به سیستم دولتی

شده، بلکه هشدارهای جدی در باره امنیت غذایی کشور را به همراه

داشته است. وقتی کشاورزان مطمئن نیستند دولت در زمان مقرر

پول‌شان را پرداخت خواهد کرد، انگیزه تولید به شدت کاهش می‌یابد

و کاهش تولید گندم پیاده‌های گسترده‌ای بر کل جامعه خواهد

داشت. گرانی اصلی در این بحران فقط مسائل اقتصادی و منابع طبیعی

نیست، بلکه شائبه تعارض منافع و فساد در مدیریت گندم کشور

است. رئیس بنیاد ملی گندمکاران که غالباً اعداد و ارقام حوزه گندم،

مثل همین سیاهه، به نقل از وی منتشر می‌شود، اخیراً گفته است

«برخی در جایگاه‌های مدیریت هستند که سودشان و منافع‌شان در

واردات است، بنابراین از دستگاه‌های نظارتی و بازرسی انتظار می‌رود

این افراد از مدیریت کلان کشور حذف شوند.» این مسئله اگر درست

باشد، نشان می‌دهد چرا سیاست‌های حمایتی ناکارآمد بوده و تولید

داخلی به حاشیه رانده شده است. واردات گندم شاید در کوتاه مدت

با قیمت پایین‌تری صورت گیرد، اما این روند به طور حتم استقلال

غذایی کشورمان را به خطر می‌اندازد و اقتصاد کشاورزی ملی را به

مخاطره می‌اندازد.

دولت و نهادهای نظارتی باید هر چه سریع‌تر به این شائبه‌ها ورود

کنند و با شفافیت و قاطعیت، تخلفات احتمالی را پیگیری و برخورد

کنند. اعتماد کشاورزان و مردم به سیستم دولتی زمانی بازمی‌گردد

که شاهد اقدامات عملی و جدی در این زمینه باشند. فقدان نظارت

دقیق و تعطل در پرداخت‌ها، نه تنها تولید را کاهش می‌دهد، بلکه

نارضایتی گسترده‌ای را در میان کشاورزان ایجاد کرده است.

مشکلات تأمین نهاده‌های کشاورزی اعم از بذر، کود و سموم نیز

معضل دیگری است که کشاورزان را در شرایط سختی قرار داده است.

با وجود افزایش قیمت این نهاده‌ها و تورم بالا، قیمت خرید تضمینی

گندم هیچ تناسبی با هزینه‌های تولید ندارد و همین هزینه بالای

نهاده‌ها یکی از چالش‌های اساسی کشاورزان است. دریافت تسهیلات

بانکی نیز به سختی انجام می‌شود و این مسئله فشار مالی کشاورزان

به واردات است.

این چرخه معیوب، با ادامه بی‌توجهی به پرداخت‌ها و نبود حمایت

عملی، کشاورزان را به سمت بازار آزاد سوق داده و در نهایت ضربه‌ای

جبران‌ناپذیر به ذخایر راهبردی کشورمان وارد کرده است. قیمت

گذاری فناوری‌های روز می‌تواند به طور چشمگیری بهره‌وری آب و

محصول را افزایش و بخشی از مشکلات ناشی از کم‌آبی را کاهش

دهد. کشورهای همسایه مانند ترکیه با سرمایه‌گذاری در این حوزه

توانسته‌اند حتی در شرایط خشکسالی نیز تولید پایدار داشته باشند.

کشورمان نیز باید با اتخاذ سیاست‌های هوشمندانه و حمایت‌های

مؤثر، در این مسیر گام بردارد. افزایش فشار بر کشاورزان و بی‌توجهی

به مشکلات آنان، به کاهش تولید، افزایش قیمت نان و مواد غذایی

و فشار اقتصادی بیشتر بر خانوارها منجر خواهد شد. در این شرایط،

دولت و دستگاه‌های ذی‌ربط باید با اجرای برنامه‌های عاجل و

بازسازی‌های ساختاری، هم‌زمان پرداخت سریع مطالبات کشاورزان،

تسهیل دسترسی به نهاده‌های تولید و ارتقای بهره‌وری را در دستور

کار قرار دهند.

پول حاصل از تلاش چند ماهه گندمکاران هنوز کامل پرداخت نشده

و نزدیک به ۲۸درصد مطالبات باقی مانده است. این تأخیر، فشار

مستقیم مالی بر خانواده‌های کشاورز وارد کرده و انگیزه تحویل

گندم به دولت را کاهش داده است. وقتی کشاورز مطمئن نباشد

پولش بموقع می‌رسد، طبیعی است که به بازار آزاد روی بیاورد؛

جایی که سود کوتاه‌مدت بیشتر است اما امنیت غذایی کشور به

خطر می‌افتد.

کاهش انگیزه تحویل محصول، ضربه‌ای مستقیم به سیاست خودکفایی

است و هر گونه اختلال در زنجیره خرید تضمینی، ثمره سال‌ها تلاش

کشاورزان را تهدید می‌کند. دولت با تعلل در پرداخت‌ها و ضعف

هماهنگی بین دستگاه‌ها، ناخواسته این تهدید را تشدید کرده است.

علاوه بر پرداخت بموقع، کشاورزان نیازمند تسهیلات حمایتی، بیمه

محصول و شفافیت در فرآیند خرید هستند.

گزارش یک سعيده زماني

از هدف‌گذاری ۹۰درصدی جمع‌آوری گازهای

مشعل در برنامه ششم توسعه، ۵درصد محقق

شد و حالا وزير نفت در تازه‌ترین اظهارات خود

گفته است معضل گازهای همراه تا پایان برنامه

هفتم توسعه وجود نخواهد داشت. جمع‌آوری

گازهای مشعل تا پایان سال ۱۴۰۷ تازه‌ترین

وعده وزیر نفت درباره معضل فلرینگ است؛

برنامه‌ای که در صورت تحقق، گامی مهم در

راستای جبران بخشی از ناترازی برق و گاز است.

خاموشی مشعل‌ها مردم استان‌های نفت‌خیز را نیز

نجات می‌دهد و اقدامی در راستای اشتغال‌زایی

و خودکفایی کشور در شرایط تحریم است.

گازهای فلر که می‌تواند در شرایط ناپایدار انرژی

تبدیل به برق و گاز شود، بی‌نتیجه می‌سوزد و به

محیط زیست خسارت وارد می‌کند. دود ناشی

از گازهای فلر مردم استان‌های همچوار را گرفتار

مشکلات قلبی و تنفسی کرده است و بر این اساس

خاموشی فلرها یک الزام و ضرورت محسوب می‌شود.

محسن پاکنوا، وزیر نفت به تازگی و در آیین افتتاحیه

خاموشی آن‌جی‌ال ۳۱۰۰ گفت: تا پایان برنامه هفتم

معضل گازهای همراه وجود نخواهد داشت.

وی با اشاره به تأکیدات رئیس‌جمهور در این

زمینه افزود: این اقدام نه تنها به کاهش آلایندگی

زیست‌محیطی منجر خواهد شد بلکه از هدررفت

صدها میلیون دلار در سال جلوگیری می‌شود. بر اساس

اهداف کمی که در برنامه هفتم پیش‌بینی شده است،

جمع‌آوری گازهای مشعل تا پایان سال برنامه هفتم

یعنی سال ۱۴۰۷ باید به ۱۶درصد مترمکعب در سال

برسد که معادل ۴۴ میلیون مترمکعب در روز است. وی

ادامه داد: معنا و مفهوم این عدد این است که با توجه

به حجم گازهای همراه تا پایان سال ۱۴۰۷ بر اساس

اهداف برنامه هفتم گازی برای سوزاندن نخواهد بود

و برای همیشه معضلی به نام گازهای همراه وجود

نخواهد داشت.

■ **بی‌میلی بخش خصوصی برای مشارکت**

وعده وزیر نفت برای پایان مشعل‌سوزی‌ها در شرایطی

است که پیش از این هدف‌گذاری این قانون در برنامه

ششم توسعه محقق نشده است.

طبق قانون زیرساخت‌های مشعل‌سوزی‌ها در شرایطی

پایان این برنامه ۹۰درصد گازهای همراه نفت و مشعل

را بهره‌برداری کنند. این در شرایطی است که گزارش‌ها

نشان می‌دهد عملکرد واقعی این طرح‌ها طی سال‌های

اما و اگر تحقق وعده جمع‌آوری گازهای فلر

تحقق فقط ۵درصد جمع‌آوری گازهای همراه!

گازهای مشعل در شرایط ناترازی منابع انرژی بی‌نتیجه می‌سوزد و ربه‌های مردم استان‌های نفت‌خیز را می‌سوزاند



استخراج رمزارز هدایت شود؛ صنعتی که با وجود

تحریم‌های مالی بین‌المللی، می‌تواند نقش یک

سوآپ اطمینان را برای ورود ارز به کشور ایفا کند.

به گفته علی بابکنیار، رئیس کارگروه استخراج انجمن

بلاک‌چین ایران، این انجمن بارها پیشنهاد داده است

از گازهای مشعل و نیروگاه‌های تعطیل‌شده برای

ماینینگ استفاده شود.

با اجرای این طرح، هم بخشی از بحران ناترازی برق

کاهش می‌یافت و هم صنعت بلاک‌چین ایران متوقف

نمی‌شد؛ پیشنهاداتی که به دلیل ساختارهای اداری و

موانع قانونی، هرگز به مرحله اجرا نرسیدند. شورایی

گازهای فلر در کمیت از زشمندی چون اتان، پروپان

و بوتان دارند که علاوه بر خوراک صنایع پتروشیمی،

منبع مناسبی برای تولید برق محسوب می‌شوند.

تحریم‌های بین‌المللی هستند، از همین‌روش به عنوان

ابزاری برای بی‌اثر کردن فشارهای مالی غرب بهره

برده‌اند. این مدل نه تنها از هدررفت منابع جلوگیری

می‌کند، بلکه یک روش کم‌هزینه و پریسک‌پذیر

برای ورود ارز دیجیتال به اقتصاد کشور است. در

شرایط محدودیت‌های تجاری، تبدیل فلرها به رمزارز

می‌تواند بخشی از زنجیره تأمین مالی خارجی را احیا

کند. کارشناسان معتقدند ظرفیت تولید برق از گاز

فلر بسیار بالاست و با سرمایه‌گذاری مناسب می‌توان

نیروگاه‌های مخصوصی برای این منظور احداث و در

صورت مزاد برق از آن رمز ارز استخراج کرد.

■ **آخرین وضعیت جمع‌آوری گازهای مشعل**

ظرفیت جمع‌آوری گازهای مشعل از ابتدای شهریور

سال گذشته حدود ۳۳۰میلیون فوت مکعب در روز

بوده که عمده آن از طریق مزایده و فروش گاز به بخش

خصوصی بوده است.

در حال حاضر ۹ بسته با ظرفیت ۲۷۰میلیون

فوت مکعب در روز در دست اجراست که واگذار شده

و ظرفیت حدود ۷۰۰میلیون فوت مکعب در قالب

۳۶ بسته براد و واگذاری به بخش خصوصی با قیمت

مزایده صفر در نظر گرفته شده که گازهای مشعل را

جمع‌آوری و به برق تبدیل کنند. طرح‌های بلندمدت

هم شامل سه ان‌جی‌ال اصلی است: ان‌جی‌ال ۳۱۰۰

در شهرستان دهلران، ان‌جی‌ال ۳۲۰۰ با گازهای

همراه حوزه غرب کارون در استان خوزستان و

ان‌جی‌ال خارک که جمع‌آوری فلرها و گازهای همراه

در پهنه خلیج فارس قرار دارد، به عهده خواهد داشت.

در طول سال گذشته با بهره‌برداری از فاز نخست طرح

جمع‌آوری گازهای مشعل رگ سفید- ۸۰میلیون فوت مکعب

گازهای سازاد واحد بهره‌برداری گچساران و طرح

کاهش گازهای مشعل پالایشگاه‌های دوازده‌گانه

پارس جنوبی، حدود ۱۴۰میلیون فوت مکعب در

روز به ظرفیت جمع‌آوری گازهای مشعل اضافه شد،

همچنین با بهره‌برداری از طرح ان‌جی‌ال ۳۱۰۰ در

گام نخست ۸۰میلیون فوت مکعب در روز به ظرفیت

جمع‌آوری گاز افزوده می‌شود.

طرح جمع‌آوری گازهای همراه میدان‌های جنوب

استان ایلام نیز با ظرفیت تنهایی ۲۴۰میلیون

فوت مکعب در روز احداث شده است. با اجرای این

طرح، روزانه بیش از ۱۵۰میلیون فوت مکعب گاز

سبک به شبکه سراسری گاز تزریق می‌شود و ترکیبات

سنگین‌تر از طریق خط لوله به ان‌جی‌ال ۲۲۰۰ در

حوزه غرب کارون (استان خوزستان) و از آنجا به

پتروشیمی بندر امام ارسال می‌شوند.

■ **مسیر جدید از خودکفایی انرژی و مالی**

مجلس با تصویب جرایم سنگین برای شرکت‌های

متخلف، وزارت نفت و شرکت‌های تابعه را به تسریع در

این روند واداشته است.

این فشارها می‌تواند به فرصت تبدیل شود و ایران را در

مسیر جدیدی از خودکفایی انرژی و مالی قرار دهد،

ضمن اینکه خاموشی فلرها بخشی مهم در راستای

اشتغال پایدار، توسعه و حفظ محیط زیست است.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های طرح خاموشی مشعل‌ها،

استفاده حداکثری از توان داخلی است. به عنوان مثال

در یکی از طرح‌های خاموشی فلرینگ‌ها در دهلران

برای بیش از ۷هزار و ۵۰۰ نفر اشتغال مستقیم و برای

۳هزار نفر اشتغال غیرمستقیم ایجاد می‌شود. باید دید

هدف‌گذاری‌های دولت تا چه میزان محقق می‌شود.

پرسی‌های بی‌پاسخ درباره معادن



بخش خصوصی واقعی که می‌تواند با سرمایه‌گذاری و

دانش فنی خود صنعت معدن را متحول کند، فرصت

ورود به این حوزه را پیدا نکند.

نمونه عینی این معضل را می‌توان در معدن آغ‌دره

تکاب مشاهده کرد؛ معدنی با ذخایر غنی طلا که

سال‌هاست به دلیل عدم‌شفافیت در قرارداده‌ا، کمبود

سرمایه‌گذاری و بی‌توجهی به توسعه زیرساخت‌ها،

نتوانسته است نقش خود را به خوبی ایفا کند.

در حالی که درآمدهای هنگفتی از استخراج این معدن

حاصل می‌شود، اما مردم محلی از مزایای اقتصادی این

درآمدها بهره‌مند نیستند و مشکلات زیست‌محیطی

و اجتماعی همچنان پابرجاست. یکی دیگر از نقاط

ضعف بزرگ صنعت معدن ایران، عدم‌شفافیت و انتشار

ناکافی داده‌های مرتبط با ذخایر معدنی، قرارداده‌ا و

میزان عواید مالی است. اگرچه برنامه جدید سازمان

زمین‌شناسی تأکید دارد که داده‌های پایه به صورت

استانداردسازی شده و شفاف منتشر شود، اما تاکنون

دسترسی عمومی به این اطلاعات محدود بوده و این

امر یکی از عوامل عقب‌ماندگی اکتشاف و بهره‌برداری

در کشور بوده است.

سرمایه‌گذاری و بی‌توجهی به توسعه زیرساخت‌ها،

نتوانسته است نقش خود را به خوبی ایفا کند.

در حالی که درآمدهای هنگفتی از استخراج این معدن

حاصل می‌شود، اما مردم محلی از مزایای اقتصادی این

درآمدها بهره‌مند نیستند و مشکلات زیست‌محیطی

و اجتماعی همچنان پابرجاست. یکی دیگر از نقاط

ضعف بزرگ صنعت معدن ایران، عدم‌شفافیت و انتشار

ناکافی داده‌های مرتبط با ذخایر معدنی، قرارداده‌ا و

جامعه معدنی با بحران مشروعیت و اعتماد مواجه